

# فراتاریخ‌نگاری در درام ایرانی





# فراتاریخ‌نگاری در درام ایرانی

پژوهشی دربارهٔ مناسبات تاریخ،  
روایت، و ادبیات نمایشی ایران

فرشته پایدار نوبخت  
نویسنده و پژوهشگر هنر

محمدجعفر یوسفیان کناری  
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



سرشناسه: نوبخت، فرشته، ۱۳۵۴-

عنوان و نام پدیدآور:

فراتاریخ نگاری در درام ایرانی: پژوهشی درباره تاریخ، روایت و ادبیات نمایشی ایران

فرشته پایدارنوبخت، محمدجعفر یوسفیان کناری.

مشخصات نشر: تهران: لوگوس، ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۲۵-۸۲-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع:

نمایشنامه فارسی -- ایران -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

نمایش -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴ -- نمونه پژوهی

شناسه افزوده: یوسفیان کناری، محمدجعفر، ۱۳۵۱-

رده بندی کنگره: PIR۳۸۴۷

رده بندی دیویی: ۸۴۲ / ۶۲۰۰۹

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۰۷۲۹۷۸

### فراتاریخ نگاری در درام ایرانی:

پژوهشی درباره مناسبات تاریخ، روایت، و ادبیات نمایشی ایران

فرشته پایدار نوبخت و محمدجعفر یوسفیان کناری

طراح جلد: سید مهدی حسینی		ویراستار:
شمارگان: ۳۰۰	شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۲۵-۸۲-۴	چاپ اول: ۱۴۰۱



برای مشاهده اطلاعات بیشتر کد بالا را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس مراجعه کنید.

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: [info@irlogos.com](mailto:info@irlogos.com)

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴ ۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: [www.irlogos.com](http://www.irlogos.com)

تنها درباره چیزی می‌توانیم مطالعه کنیم  
که پیشتر، خوابی درباره‌اش دیده باشیم.  
- گاستون باشلار



## فهرست

- پیشگفتار: فراتاریخ و تعین ادبی آن در فن و هنر نمایش ..... ۱
- مقدمه ..... ۱۷
- ۱ - ادبیات موضوع: تاریخچه فراتاریخ‌نگاری و خاستگاه‌ها ..... ۲۳
- درام تاریخی و پیشینه آن ..... ۲۳
- فراتاریخ‌نگاری و نمایش قرن بیستم ..... ۲۶
- فراتاریخ‌نگاری و سیر آن در ادبیات و نمایش در ایران ..... ۳۴
- ۲ - چارچوب نظری: تاریخ در فراسوی استعاره، زبان، و روایت ..... ۴۱
- هایدن وایت و مسئله فراتاریخ‌نگاری روایت‌های فرهنگی ..... ۴۱
- روایت و پیرنگ‌سازی داستانی ..... ۴۳
- تمایز پیرنگ تاریخی و پیرنگ داستانی ..... ۴۴
- پیرنگ داستانی و امر خیال ..... ۴۸
- روایت و بیکربندی گفتمانی ..... ۵۱
- مسئله ارجاع ..... ۵۳
- شخصیت و کنش ..... ۵۵
- مکان-فضا ..... ۶۰
- زمان و شیوه‌های روایی ..... ۶۲
- زبان در بیکربندی گفتمانی ..... ۶۶
- جریان انگاره‌ای شدن زبان: الگوی سیال خیال ..... ۶۷
- درام فراتاریخ‌نگارانه و تجسم معنا ..... ۷۹
- دستور زبان درام در تجسم بخشی به معناها ..... ۸۲
- آن سوی واقعیت: بیان آبرونیک ..... ۸۴
- (۱) آبرونی کلامی ..... ۸۶
- (۲) نظریه ربط و انواع آبرونی کلامی ..... ۸۷
- (۳) اشاره پژواکی یا پارودی ..... ۸۸
- (۴) تاویل و تفسیر پژواکی ..... ۸۹
- جمع‌بندی ..... ۹۱

- ۳ - چرخش‌های روایی در ساخت فراتاریخ‌نگارانهٔ درام ..... ۹۵
- از روایت تاگفتمان: فرایندِ گفتمانی شدن ..... ۹۶
- ندبه: مرثیه‌ای برای کشتار معصومیت تاریخی ایران ..... ۹۷
- مرگ یزدگرد: کشف حقیقت از میان تاریخ مثله‌شده ..... ۱۱۰
- خواب در فنجان خالی؛ زمان و تداوم ..... ۱۱۳
- فتح‌نامهٔ کلات: کشفِ یک داستانِ واقعی ..... ۱۱۶
- از تاریخ تا داستان: قلمروگفتمان ..... ۱۱۹
- سه برخوانی؛ تاریخِ نخبه‌کشی ..... ۱۲۸
- سهراب‌کشی؛ تاریخِ پدران و پسران ..... ۱۳۲
- افول؛ کاوش در ریشه‌های عقلانیت فرهنگی ..... ۱۳۵
- دیکته: مسئلهٔ ارجاع داستان به تاریخ ..... ۱۴۶
- سفرِ سلطان به دیار فرنگ و تاریخِ پارودیک ..... ۱۵۲
- نمایش بودگی تاریخ ..... ۱۵۴
- مقولات و رویدادهای تاریخی در نمایش ..... ۱۵۷
- ۴ - چرخش‌های زبانی در فضای تاریخ‌نگارانهٔ گفتمان‌های درام ایران ..... ۱۶۱
- بهرام بیضایی و اکبر رادی؛ تجربهٔ تاریخ ..... ۱۶۴
- مکان؛ ذهنیتِ تجسم‌یافته ..... ۱۶۴
- بیضایی و تجربهٔ بدن‌های فرهنگی ..... ۱۷۲
- تجربهٔ مکان ..... ۱۷۸
- خاطراتِ مکان ..... ۱۷۹
- محمد چرمشیر و حمید امجد: وجوه بینامتنیتِ فضای گفتمانِ فراتاریخی ..... ۱۸۴
- محمد چرمشیر؛ هجوِ فراتاریخ‌نگارانهٔ تاریخ ..... ۱۸۵
- حمید امجد؛ فراداستانِ فراتاریخ‌نگارانه ..... ۱۸۹
- محمد رضایی راد و نغمه ثمنینی: بدنِ فراتاریخی ..... ۱۹۳
- محمد رضایی راد؛ بدنمندیِ فهم ..... ۱۹۴
- نغمه ثمنینی؛ رؤیای آزادی ..... ۱۹۸
- سخن آخر ..... ۲۰۳
- منابع ..... ۲۰۷



## پیشگفتار: فراتاریخ و تعین ادبی آن در فن و هنر نمایش

... و گذشته را به رنج توان یافت. به گشتن گرد جهان و رنج بر خویشتن نهادن و احوال و اخبار بازجُستن ... خردمندان هم در این پیچیده‌اند و می‌جویند و گرد بر گرد آن می‌گردند و اندر آن سخن به جِدّ می‌گویند که چون نیکو در آن نگاه کرده آید بر نیک و بد دستوری ایستد. ...

ابوالفضل بیهقی<sup>۱</sup>

تاریخ را عده‌ای می‌نگارند اما بسیاری می‌خوانند. آنچه به روایت گذشته خوانده می‌شود، در اصل، شرح و آدای حقیقت بازمانده در پس وقایع و احوال پیشینیان است که آثار محتمل آن‌گاه عین وضع جاری و گاه شاهد فعل آتی ماست. بر این مجال، خواندن عین تعبیر و «گزاردن» است؛ و تاریخ «فراتر» از انگاشتِ مرسوم ما از

---

۱. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، بر اساس نسخه غنی- فیاض، مقدمه، تعلیقات و فهارس از منوچهر دانش‌پژوه، ج ۲، تهران: هیرمند، صص ۱۹-۱۰۱۸.

گفتار و اطوار و کردار گذشتگان، وجهی از انکشاف حقیقت و رخدادگی فهم ما، فهم جمعی ما از آدوار کهن تا روزگار ماست. آن یکی «تاریخ» است که نگاره می‌شود در دست تاریخ‌نگار؛ و این یکی «فراتاریخ» است که گزاره می‌پذیرد به قوه فهم و خرد فراتاریخ‌نگار.

از همین رو، مورخ گذشته‌نگار است؛ ادیب گذشته‌گزار. اولی تاریخ وقایع و اطوار را به وسع خرد و قوه ذوق خویش یا به حکم اقبال و دستور و ضرورتی نوشته، به کتابت درمی‌آورد؛ حال آنکه دیگری، آن دومی، به لطف قوه فهم و قوای نقد و داوری عقلی، گذشته را با زمان حال و آینده به مفاهمه‌ای غیرمترقبه فرامی‌خواند؛ و این هربار به تعبیری، و در هر تعبیر، کشفی، و در هر کشف، حقیقتی، و بسا یقین‌ناتمام در هر حال، به حال دیگرگون‌شونده‌ای، مجال فهم تازه‌ای می‌یابد. مورخ، از همین رو، نگارنده است و لیکن ادیب گزارنده.

گذشته موضوع تاریخ است، اما مسئله فراتاریخ محسوب می‌شود. صدق و کذب اقوال و اطوار گذشتگان اصل و نسب واقعیت تاریخی ماست؛ حال آنکه کشف حقیقت دغدغه فراتاریخ است.

تاریخ به خوابی می‌ماند که، هرچند ریشه در جای واقعیت دارد و به قوه خیال و وهم به تجربه می‌گراید، اما کم‌تر حقیقت دارد و یا آنکه نشانی عارض بر حقیقت دارد؛ فراتاریخ اما در پیوند با حقیقت نهفته در رؤیاهاست؛ تعبیر می‌پذیرد و خوابگزار می‌خواهد. ادبیات قلمرو گزاره‌پردازی ادیب در جریان سیال دلالت‌های فرازمان-مکانی است؛ هر جا که تاریخ مسئله ادیب باشد، فراتاریخ‌نگاری همان تقلای بی‌وقفه برای کشف حقیقت در پس وقایع و افراد و اطوار گذشتگان تاریخی ماست؛ گویی اینجا صحنه‌ای برپاست تا گذشته‌گزاری به تأویل معناهای تاریخی پرداخته و همتای هنرمندی نقال به روایت و قرائت خود از تاریخ با دیگران، حضار یا خوانندگان، بپردازد. درام فراتاریخ‌نگارانه نقشه راه این تأمل تاریخی ما ایرانیان در باب هویت و ماهیت حقایق نهفته در پس فرهنگ نمایشی هم‌روزگار ماست.

پیشگفتار: فراتاریخ و تعیین ادبی آن در فن و هنر نمایش | ۳

مدخل «فراتاریخ»<sup>۱</sup> در دانشنامه ادبی، به قلم رابرت کلارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، با اشاره به جستارهایی برگزیده از آرای انتقادی نورتروپ فرای (۱۹۹۱-۱۹۱۲)<sup>۳</sup> قبل از دهه ۱۹۶۰، به ویژه تأمل او بر وجه اسطوره‌ای افسانه‌ها و سهم تاریخی آن‌ها در تکوین ادبیات تدوین شده است. در کتاب افسانه هویت؛ مطالعاتی در اسطوره‌شناسی شاعرانه<sup>۴</sup> (۱۹۶۳)، فراتاریخ مترادف با فلسفه تاریخ طرح شده است؛ نظامی متشکل از اصول فلسفی یا مردم‌شناسانه‌ای که معرفت ما از روایت‌های تاریخی را بنا کرده و بیش از آنکه صریح یا ضمنی مقید به کلان‌روایت‌های تاریخ باشد، خود تاریخ را مسئله تأمل انتقادی مورخان در خصوص امکان کشف حقیقت و تعیین آگاهی جمعی به واسطه تجربه‌های انسانی قرار می‌دهد. در فصل نخست کتاب، فرای، پس از بحث درباره «کهن‌الگوهای ادبیات»<sup>۵</sup>، به مناسبات تاریخی «اسطوره، داستان، و جابه‌جایی»<sup>۶</sup> مفهومی آن‌ها در نقل و روایت و گذار از فرهنگ توجه می‌کند. سپس در بخشی از کتاب با عنوان «مسیرهای نواز کهن»<sup>۷</sup> به مقایسه‌گزیده مفاهیمی از فن شعر ارسطو و عمل شرح و حکایت‌گفتار و کردار آدمیان در تاریخ و روش کار مورخان می‌پردازد. او می‌گوید:

کنش، یا پراکسیس<sup>۸</sup>، جهان رخدادهاست؛ و تاریخ، در معنای عامش، می‌تواند تقلیدی کلامی از کنش یا رخدادهایی تلقی شود که به شکل کلمات درآمدند. مورخ کنش را مستقیماً تقلید می‌کند؛ او اظهارات مشخصی درباره آنچه -- در واقعیت -- اتفاق افتاده است بیان می‌کند، و [دائماً] از حیث صدق گفتارش مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

---

1. Metahistory

2. Clark, Robert. "Metahistory". The Literary Encyclopedia, First published 08 November 2007 [https://www.litencyc.com/php/stopics.php?rec=true&UID=716, accessed 17 June 2021]

3. Northrop Frye

4. Northrop Frye, *Fables of Identity: Studies in Poetic Mythology*, New York: a Harbinger Book, Harcourt, Brace and World, Inc. 1963.

5. *The Archetypes of Literature*

6. *Myth, Fiction and Displacement*

7. *New Directions from Old*

8. Praxis

آنچه در واقعیت رخ داده الگوی بیرونی برای طرح‌بندی کلمات اوست، و او [همواره] از حیث کفایت و [کیفیتی]، که کلماتش این الگو را بازتولید می‌کنند، قضاوت می‌شود.

شاعر هم مثل مورخ، حداقل در درام و حماسه، کنش‌ها را در کلمات تقلید می‌کند. اما شاعر دربارهٔ امور واقع [به‌طور خاص] اظهارات مشخصی بیان نمی‌کند؛ از این رو، هرگز به خاطر صدق و کذب گفتارش هم قضاوت نمی‌شود. شاعر هیچ طرح یا الگوی بیرونی برای تقلید در اختیار ندارد، بلکه به خاطر انسجام و پیوستگی ساختار کلامی‌اش قضاوت می‌شود. علت این است که او امر کلی و عام را تقلید می‌کند، نه جزئی و خاص را؛ دغدغهٔ او نه آنچه [در جهان واقع] اتفاق افتاده، بلکه آن چیزی است که اتفاق می‌افتد. موضوع کار او آن نوع چیزهایی است که محققاً اتفاق می‌افتد؛ به بیانی، همان عنصر خاص، معمول یا تکرارشوندهٔ کنش است. بنابراین، شباهت نزدیکی بین موضوع کار شاعر و آن دسته افعال مهمی که آدم‌ها صرفاً به خاطر خاص و تکراری بودن آن‌ها مشغول‌اند وجود دارد؛ این‌ها همان کنش‌هایی هستند که ما «آیین»<sup>۱</sup> می‌نامیم. تقلید کلامی آیین اسطوره است، و کنش خاص و معمول فن شعر پیرنگ است؛ یا آنچه ارسطو آن را میتوس<sup>۲</sup> می‌نامید. برای منتقد ادبی هم واژهٔ «میتوس» ارسطو و کلمهٔ انگلیسی «اسطوره»<sup>۳</sup> غالباً معنای مشابهی دارند (ibid, p. 53).

به نظر فرای، پیرنگ‌های نمایی، به این دلیل که کنش‌های خاص و معمول افراد را توصیف می‌کنند، طبعاً فرم مشخص و معمول خود را پذیرا می‌شوند. پیرنگ تراژیک سیر دگرگونی افعال و گره‌گشایی محتوم به فاجعهٔ خاص خود را دارد؛ پیرنگ کُمیک

---

1. Ritual  
2. Mythos  
3. Myth

آپیشگفتار: فراتاریخ و تعین ادبی آن در فن و هنر نمایش | ۵

پایان خوش دارد؛ نوع دیگر پیرنگ رمانس است که ماجراها و پیگیری‌های پایانی خاص خود را دارد؛ و دیگری پیرنگ آبرونیک (کنایی) است که معمولاً پارودی یا نقیضه‌ای از رمانس محسوب می‌شود. شاعر، در اینجا همان نویسنده و نمایشنامه‌نویس، می‌تواند به نحو فزاینده‌ای به تاریخ بپردازد؛ صرفاً تا حدی که تاریخ برای او اسطوره‌های کمیک، تراژیک، رمانتیک، یا آبرونیک را مثل پیشامتنی در دسترس قرار می‌دهد. به نظر فرای، وقتی طرح و نقشه تاریخ‌نگار به حد معینی از قابل فهم شدن برسد، شکلی اسطوره‌ای به خودش می‌گیرد و به این نحو در ساختارش رویکردی شاعرانه می‌پذیرد (ibid, p. 53-54). به این ترتیب، اسطوره‌های رمانتیک، کمیک، و تراژیک متنوعی در فرهنگ‌های مختلف وجود دارند که مدام بازتولید و تکرار می‌شوند؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها الزاماً نظریه‌ای عام و جهانشمول در باب تاریخ عرضه نمی‌کنند، بلکه صرفاً نمونه‌های مثالی‌اند برای هرآنچه تاریخ از آن بهره می‌برد.

در همین بخش از کتاب افسانه‌هویت، فرای نخستین بار لفظ «فراتاریخ» را به عرصه نقد ادبی و نمایشی وارد می‌کند. او با اشاره به مقاله‌ای از فرانک آندرهیل<sup>۱</sup> (۱۸۸۹-۱۹۷۱)، مورخ کانادایی، و به‌ویژه گفتار او در شرح آرا و آثار آرنولد توینبئی (۱۸۸۹-۱۹۷۵)، تاریخ‌نگار برجسته بریتانیایی، این واژه را به خدمت نقد اسطوره‌شناسانه خود از مفهوم میتوس ارسطو درمی‌آورد. آندرهیل در مقاله‌ای به ستایش تلاش‌های تاریخ‌نگارانه توینبئی می‌پردازد و از نقش تأثیرگذار وی در بازتعریف مفهوم تاریخ و کار تاریخ‌نگاری در باب روند تحولات و پیشرفت‌های تمدن بشری یاد می‌کند. فراتاریخ‌نگار لقبی است که آندرهیل نخست در سال ۱۹۵۱ برای آلفرد توینبئی<sup>۲</sup> در نظر گرفته و به توصیف افکار و روش کار او در مواجهه انتقادی با سیر تکوین تاریخی مقوله پیشرفت و تحولات اجتماعی بشر می‌پردازد.<sup>۳</sup>

فرای فراتاریخ را، فارغ از اینکه مورخ چه کسی باشد، موضوع مطالعه فاضلان‌ای توصیف می‌کند که مسئله‌اش وجه‌مثالین تاریخ و اشکال اسطوره‌ساز آن در فرهنگ

1 Frank Underhill

2 Arnold Joseph Toynbee

3. Frank H. Underhill, Arnold Toynbee, *Metahistorian*. *Canadian Historical Review*. Volume 32 Issue 3, September 1951, pp. 201-219. <https://doi.org/10.3138/CHR-032-03-01>.

است. او در عین حال به خوبی آگاه است که مورخان معمولاً تقلیدهای کلامی‌شان از کنش‌ها را به رخدادها و وقایع بشری محدود می‌کنند. غریزهٔ مورخ همواره در جست‌وجوی کشف علت‌های انسانی رخدادهاست و برعکس، هیچ توجهی به اعجازها و مشیّت‌های الهی ندارد، چه بسا حتی طفره می‌رود و از آن‌ها اجتناب می‌ورزد. اگرچه مورخ به فاکتورهای غیرانسانی متنوعی مثل آب و هوا، اقلیم، و محیط فرهنگی توجه دارد اما همهٔ آن‌ها را در پس‌زمینه قرار می‌دهد و از پرداختن به عوامل مداخله‌گر غیرانسانی پرهیز می‌کند. شاعر، نویسنده، و درام‌نویس، اما برعکس، در قید و محدود به هیچ تکلف عقلی و استدلالی نیست و در طرح موضوعاتش، به عوامل متافیزیکی و فراتر از خواست و ارادهٔ بشری نیز توجه می‌کند؛ خدایگان، ارواح و اشباح، جنّ و پری، و عجایب‌المخلوقات هم می‌توانند شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار جهان روابط انسانی او باشند. کنش می‌تواند منشأ و سببی از نوع لجاجت و نخوت داشته باشد و لغزش‌های رقت‌انگیز ممکن است بخش اساسی این طرحوارهٔ ذهنی قرار بگیرند. از دید فرّای، همین جاست که فراتاریخ همانند فن شعر و آفرینش‌های ادبی می‌شود. مضمون‌های فراتاریخی اغلب نوعی همانندی یا، بهتر بگوییم، این‌همانی با روندهای طبیعی کنش‌ها و رخدادها را مفروض می‌دارند. تمام تاریخ‌های تعیین‌ساز، خواه قوهٔ متعیّن آن اقتصاد یا جغرافیا یا حتی مشیّت الهی باشد، بر مبنای نوعی قیاس و شباهت بین خود تاریخ و امور دیگری هستند؛ و از همین رو فراتاریخ محسوب می‌شوند.

نمایشنامه‌نویس و شاعر مثل فراتاریخ‌نگار قیاسی و استدلالی کار می‌کند با این تفاوت که او مثلاً، در حین نوشتن تراژدی، خواست خود برای تحمیل الگوی تراژیک بر موضوع تاریخی‌اش را در اولویت قرار می‌دهد و کم‌تر به این اهمیت می‌دهد که چه موضوع معاصر، افسانه‌ای، یا تاریخی را دستمایهٔ آفرینش ادبی و نمایشی قرار دهد (ibid, p. 54). بنابراین، درام، از منظر ارسطو، چون به جای پرداختن به امور خاص و جزئی، که در انطباق با وقایع و رخدادهای بشری هستند، عمدتاً به امور کلی و جهانشمول کنش‌ها و افعال و اختیار آدمیان توجه دارد، به مراتب تجربه‌ای فلسفی‌تر

از تاریخ به شمار می‌رود. به عبارتی، درام از یک سو با جهان پراکسیس یا کنش مواجه است که به نوعی همان جهان رخدادهایی است که در طی زمان به وقوع می‌پیوندند؛ و از سویی دیگر، برعکس، با جهانی از ایده‌ها و گمانه‌های نظری (تئوری) روبه‌روست که انگاره‌ها، افکار و بازتاب‌های مفهومی، ذهنی و ادراکی یا دیداری ما از جهان خارج را در بر می‌گیرد؛ جهانی از قراردادهای تقلیدی که به صور گوناگون قابل آفرینش هستند و البته برای درام‌نویس عمدتاً از طریق کلمات محقق می‌شود؛ آنچه الزاماً برای خلق قطعه‌ای موسیقایی یا پرده‌ای نقاشی رخ نمی‌دهد. مصادیق متعددی از انواع نوشتارهای گفتمانی یا آثار علمی و فلسفی هستند که تقلید کلامی اندیشه را در اولویت قرار می‌دهند. نویسندگان خطابه‌های علمی و فلسفی، ایده‌ها و انگاره‌ها را مستقیماً به کلمات تبدیل می‌کنند. مثل یک تاریخ‌نگار، آن‌ها هم غالباً پیشگویی‌ها و اظهارات مشخصی را ادا می‌کنند و باز هم مثل تاریخ‌نگار، کیفیت و کفایت گفتار آن‌ها بازتولید کلامی‌شان از یک الگو و طرح بیرونی است. اما نمایشنامه‌نویس به پیشامدهای خاص و معینی نمی‌پردازد بلکه صورت‌مثالین و تکراری‌شان را بازتولید می‌کند؛ آنچه معمولاً اندیشه‌نامیده می‌شود. شاعر به دنبال بیان جدیدی از تجربه‌های شعوری آدمی و حوادث تاریخی است، نه لزوماً موضوع یا محتوای خاص. او موقعیت عام و وضع کلی انسان و جامعه‌ای را بازتاب می‌دهد که اجتناب‌ناپذیرند و این نوع آفرینش هنری، جدای از موضوع وقایع تاریخی، گاه می‌تواند تاریخ را دستمایه کشف حقیقت ناب نهفته در پس اقوال و اطوار آدمیان قرار دهد؛ هرچند دشوار و چالش‌برانگیز، مثل گفته‌ی شکسپیر، «مسیر عشق ناب هرگز سهل، ساده و روان به انجام نمی‌رسد» (ibid).

دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ زمینه‌ساز مجموعه تأملاتی در باب تاریخ و نسبت اسطوره‌شناختی آن با حوزه فن شعر، روایت، فرهنگ، و نقد ادبی بوده است. در این خصوص، نورتروپ فرای، مجموعه تأملات خود را، از طریق پیوند مفاهیم قلمرو تاریخ‌نگاری با فنون و شیوه‌های داستان‌پردازی و اشکال متنوع سازماندهی و گسترش پیرنگ‌های نمایشی حامل ظرفیت‌های نظری جدید، برای تدوین

رویکردهای انتقادی متأخر، نشان می‌دهد. به‌زعم او، مناسبات تاریخ و طبیعت در زمینه فرهنگ مدام در تناوب توسعه‌آنی و فروپاشی تدریجی واقع‌اند؛ بی‌آنکه بتوان پیوستاری هم‌مطراز ترسیم کرد که در آن این دو، با حفظ تناقضات درونی، رو به تکاملی دیالکتیک جهت‌گیری کنند، برعکس، هریک مارییج‌های ناتمام و ناقصی‌اند که به شکل یک چرخه محدود خودبسنده و ایستا نشان می‌دهند. به این معنا، حقیقت در گنجینه‌ای از مفاهیم جمعی اندوخته شده است و کار فراتاریخ، در این طراز، به‌مثابه ابزاری برای خودآگاهی و معرفت‌شناسی تاریخی ما از یک قوم، سرنوشت تاریخی و محتومش، پیش‌بینی آینده و شرح رقت‌انگیز و مشقت‌بار وضع کنونی یا نقشه راه سعادت، شادمانی و آزادی جمعی، تازه آغاز شده است. تاریخ اساساً تحقق حافظه و خرد جمعی ابناء بشر است.<sup>۱</sup> وقایع‌نگاری<sup>۲</sup> سرآغاز روندی به نام تاریخی شدن است<sup>۳</sup> اما غایت آن تحلیل ماده خام و محتوای انباشته ذخایر فرهنگی و اساطیری نهفته در بطن خود تاریخ است که نقطه عزیمت تأملات فراتاریخ‌نگاران به شمار می‌آید.

اسطوره‌ها، در اصل، استعاره‌هایی محصول اشکال روایت فرهنگی ما از تاریخ‌اند.<sup>۴</sup> در نگاهی کلی، امر تاریخی متضاد امری اسطوره‌ای است و معمولاً طرح این نکته، که آنچه پژوهش تاریخی و رساله تاریخی را شکل می‌دهد همان اسطوره است، اغلب برای مورخان غیر قابل قبول و گاه اهانت‌آمیز تلقی می‌شود.<sup>۵</sup> در حقیقت، فرای بر این باور است که بشر تاریخ را مانند یک پرده عریض مفهومی بنا می‌کند تا به واسطه آن اضطراب آخرالزمانی خود را تقلیل دهد<sup>۶</sup> و با استعاره‌هایی برساخته گذشته و روایت مکرر آن‌ها، خطر فروپاشی معرفتی و افول ذهنیت را از خود و جامعه و طبیعت پیرامونش دور نگه دارد. اینجاست که می‌توان نقش تحلیلی فراتاریخ را در روند خلق

1. Northrop Frye, "The Primary Necessities of Existence" (1985), Interviews with Northrop Frye (2008), Collected Works, 24.

2. Chronicle

3. Northrop Frye, "Pistis and Mythos" (1972), Northrop Frye on Religion (2000), CW, 4.

4. Northrop Frye, Entry, Notes 54-5 (1976), 63, Northrop Frye's Notebooks and Lectures on the Bible and Other Religious Texts (2003), CW, 13.

5. Northrop Frye, "New Directions from Old" (1960), "The Educated Imagination" and Other Writings on Critical Theory, 1933-1963 (2006), CW, 21.

6. Northrop Frye, "Typology II," The Great Code (1982), The Great Code: The Bible and Literature (2006), CW, 19.